

آواز قو - سعید اسدی-۱۳۷۹

پیمان (بهرام رادان): می‌دونی بدون عشق زندگی‌کردن یعنی چی؟! شما عشقتون کیه؟چیه؟!اگه ازتون بگیری چی‌کار می‌کنین؟ شما به این عشق حسودیتون می‌شد، مگه نه؟برای اینکه هیچ‌وقت نتوسنن حتی خدا رو این جوری دوست داشته باشین!

دولت، بی‌نیاز از پشتوانه علمی



سیمین کاظمی

قانون جوانی جمعیت علیرغم تمام انتقادات و هشدارهای متخصصان و مطلعان به تصویب رسید و اکنون نوبت اجرای آن شده است. از جمله مواد این قانون حذف غربالگری ناهنجاری‌های کروموزومی از مراقبت‌های اولیه زنان باردار است که در فروردین ماه ۱۴۰۱ دستورالعمل آن منتشر شد. غربالگری ناهنجاری‌های کروموزومی تا قبل از تصویب قانون جوانی جمعیت، مانند هر طرح غربالگری دیگری در مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی ابتدا توسط مراقب سلامت یا ماما به زن باردار آموزش داده می‌شد و زن باردار در صورت تمایل و داشتن توان مالی برای درخواست آزمایش و سونوگرافی به پزشک ارجاع داده می‌شد. پزشک نتیجه آزمایش و سونوگرافی را تفسیر می‌کرد و در صورت احتمال ناهنجاری کروموزومی، زن باردار به سطح دو مراقبت، یعنی پزشک متخصص زنان و زایمان ارجاع داده می‌شد. در این مرحله آزمایش‌های تکمیلی و تخصصی‌تری انجام می‌شد و در صورتی که تشخیص پزشک، وجود ناهنجاری بود، زن باردار جهت دریافت مجوز سقط جنین به پزشکی قانونی ارجاع می‌شد که در صورت تمایل مراجعه می‌کرد و مجوز سقط می‌گرفت. در هیچ کدام از این مراحل هیچ اجباری وجود نداشت و تصمیم‌گیری به عهده زن باردار بود. آزمایش‌های غربالگری در سطح یک، تنها احتمال بیماری را مطرح می‌کنند و تشخیص نهایی بر عهده سطوح بالاتر مراقبت سلامت است، بنابراین هیچ‌گاه نتایج تشخیص در این مرحله مبنای تصمیم‌گیری‌های درمانی از جمله در مورد سقط جنین نبوده و نیست. از طرف دیگر بسیاری از آزمایش‌های تشخیصی در پزشکی با خطا همراهند و برای کاهش خطا، تحقیق و پژوهش برای یافتن روش‌های تشخیصی دقیق‌تر ادامه دارد و این روش‌ها در حال تکامل و پیشرفت هستند. در مورد ناهنجاری‌های کروموزومی هم روش‌های تشخیصی دقیق‌تری وجود دارد که چون گران‌قیمت و کمتر در دسترس هستند، در برنامه غربالگری قرار ندارند. بدیهی است احتمال خطای تشخیصی نمی‌تواند دلیل علمی برای حذف غربالگری به طور کلی باشد، بلکه برای احتراز از خطا سعی می‌شود روش‌های تشخیصی دقیق‌تر جایگزین شود یا آزمایش غربالگری در چند مرحله صورت گیرد. موضوع دیگر این است که آنچه ظاهراً مدافعان قانون جوانی جمعیت را به صرافت حذف غربالگری انداخت، این بود که خطای احتمالی در تشخیص

چه خبر؟

سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی کامیابی‌ها و ناکامی‌ها



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

«با گذشت ۱۶ سال از ابلاغ قانون اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی، ما طی این سال‌ها نتوانستیم نمره قابل قبولی در بحث خصوصی‌سازی به دست بیاوریم… در بحث خصوصی‌سازی که باید به مردمی‌سازی و اقتصاد مردمی منجر می‌شد، تاکنون غفلت شده و اقتصاد ما مردمی نشده است.» اینها بخشی از اظهارات رئیس مجلس شورای اسلامی در نقد اجرای خصوصی‌سازی است. قبل از ورود به بحث باید ببینیم اصل ۴۴ چه می‌گوید. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «اقتصاد و امور مالی» شامل اصول ۴۳ تا ۵۵ به بنیان‌های اقتصادی کشور می‌پردازد. در اصل ۴۴ نظام اقتصادی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم شده که بخش دولتی شامل صنایع و معادن بزرگ، بازرگانی خارجی، بانک، بیمه، راه‌آهن، هواپیمایی، کشتی‌رانی و مانند اینها، بخش تعاونی شامل شرکت‌های تولید و توزیع و در نهایت بخش خصوصی دربرگیرنده آن بخش از تولید، تجارت و خدمات است که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. تصویب این اصل در سال ۱۳۵۸ تحت تأثیر فضای انقلابی داخلی و سوسیالیسم بین‌المللی تا حدی قابل درک بوده و ظاهراً الگوی این ساختار قانون اساسی یوگسلاوی سابق است. جالب اینکه در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ فصل چهارم دست‌نخورده باقی ماند.

از حدود دو دهه پیش که نتایج نه چندان مطلوب اقتصاد دولتی هویدا شد، مقامات چاره را در مشارکت بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد ملی و کاهش نقش دولت حداقل در تصدی‌گری دیدند. مهم‌ترین مانع قانونی اصل ۴۴ بود. البته از آنجایی که بازنگری در قانون اساسی نیازمند فرایند پیچیده اصل ۱۷۷ قانون اساسی است، تغییرات بدون اصلاح در اصل و در قالب دیگری انجام شد. در ۸/خرداد/۱۳۸۴ «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» توسط رهبر انقلاب ابلاغ شد. هدف از این سیاست‌ها گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش خصوصی عنوان شده و

متن شامل پنج بخش سیاست بنیادین شامل: توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ‌شدن بخش دولتی؛ بخش تعاونی؛ توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی؛ سیاست‌های کلی واگذاری و اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار است. البته در مقدمه به درستی آمده: «اجرای این سیاست‌ها مستلزم تصویب قوانین جدید و بعضاً تغییراتی در قوانین موجود است؛ لازم است دولت و مجلس مترجم در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند». در همین راستا قانونی مفصل در ۹۲ ماده با نام «قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در ۸/بهمن/۱۳۸۶ به تصویب مجلس رسید. اما اظهارات رئیس مجلس و نتایج واگذاری‌ها نشان می‌دهد نتیجه چندان دلچسپ نبوده است. متأسفانه بخش‌هایی واگذار شده است که در کشورهای توسعه‌یافته اساساً با واگذار نمی‌شود یا در اولویت آخر است؛ انتقال مدرسه، بیمارستان و به تازگی مراکز بهزیستی غیرمنطقی و خلاف اهداف خصوصی‌سازی و اصولی از قانون اساسی است. در ماده ۸۸ «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» (۱۳۸۰) خدماتی از قبیل درمان، توان‌بخشی، نگهداری از سالمندان، معلولین و کودکان بی‌سرپرست به بخش خصوصی واگذار شده است؛ مواردی که تکلیف ذاتی دولت بوده و اکثراً فاقد جنبه رقابت‌پذیری و درآمدزایی و در نتیجه فاقد مطلوبیت برای بخش غیردولتی است. اینکه صنایع رقابت‌پذیری مانند خودروسازی (با این میزان ناکارآمدی و ضرردهی سالانه هر دو شرکت) و یا بازرگانی خارجی با ابهامات فراوان در ثبت سفارش و تخصیص ارز (برای نمونه در منع واردات کوشی آیفون) در انحصار دولت باشد، اما نگهداری از معلولان بهزیستی به عنوان بخش رقابت‌پذیر! در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد با هیچ منطقی سازگار نیست.

نمونه دیگر از این سیاست‌گذاری‌های ناروا، تصویب «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» در ۲۴/اسفند/۱۴۰۰ است. در مواد ۵ تا این قانون پنج‌ماده‌ای –بماند که هرکدام از مواد این قانون یک قانون خاص را اصلاح می‌کند و این روش قانون‌گذاری مرسوم و پسندیده نیست– به ترتیب تغییراتی در برگزاری آزمون‌های سردفتری اسناد رسمی، کارشناسی رسمی دادگستری و وکالت دادگستری می‌دهد و با تعیین نوعی حد نصاب، یعنی «ادولطیانی که حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزین بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند» را بودن تعیین ظرفیت، شایسته ورود به این مناصب می‌داند. در واقع قانون‌گذار خدمات اجتماعی مانند سردفتری اسناد رسمی را فعالیت اقتصادی رقابت‌پذیر می‌داند! در شرایطی که به دلیل تورم و رکود اقتصادی یک دهه اخیر، بسیاری از دفاتر اسناد رسمی کم‌کار شده‌اند. در سالگرد تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ناکارآمدی در خصوص‌سازی که صدای اعتراض رؤسای قوای سه‌گانه را هم بلند کرده است، تغییرات اساسی در ساختار حقوقی و حقیقی اقتصاد ملی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.



● عملیات آوار برداری و نجات افراد احتمالی گرفتار در ساختمان متروپل آبادان همچنان ادامه دارد. در این سانحه تاکنون ۲۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

عکس: علی معرف، ایرنا

ناهنجاری جنینی ممکن است موجب سقط جنین سالم شود، اما واقعیت این است که خطاهای تشخیصی در مجموع تست‌های غربالگری، ناچیز هستند و تأثیری در افزایش یا کاهش جمعیت نخواهند داشت و چنین نگرانی نمی‌تواند و نمی‌بایست به بهای وقوع ریسک بزرگ‌تری یعنی افزایش تولد کودکان با ناهنجاری‌های کروموزومی، برطرف شود. در حال حاضر، برنامه غربالگری ناهنجاری‌های کروموزومی به طور کلی از سطح یک مراقبت‌های اولیه زنان باردار حذف شده است، اما زنان باردار در صورت تمایل می‌توانند به متخصص مراجعه کنند تا این آزمایش‌ها را برایشان درخواست کنند. در واقع دیگر در کشور برنامه غربالگری ناهنجاری‌های جنینی اجرا نمی‌شود، ولی این آزمایش‌ها در آزمایشگاه‌ها و با درخواست پزشک متخصص زنان و زایمان قابل انجام است. اما مشکل و خطرات چنین تصمیمی چیست؟ از آنجا که مراقبت سلامت یک امر تخصصی است که لازم است از طریق نظام سلامت برای جامعه فراهم شود، وقتی در سطح اول مراقبت سلامت، ماماها و پزشکان عمومی از هر گونه مداخله پیشگیرانه در مورد ناهنجاری‌های جنینی منع شوند و حتی نتوانند به زنان باردار در این خصوص آموزش بدهند یا توصیه‌ای بکنند، زنانی که از دانش پزشکی و مامایی برخوردار نیستند و آموزش هم از سطح اول مراقبت دریافت نکرده‌اند، از کجا باید بدانند که آزمایش ناهنجاری‌های کروموزومی وجود دارد و می‌توانند با مراجعه به متخصص آن را انجام دهند؟ بدیهی است تنها آموزش در سطح اول مراقبت است که می‌تواند این آگاهی را به زنان بدهد که در زمان مناسب برای چنین آزمایش‌هایی اقدام کنند. در حال حاضر چنین آگاهی‌ای از زنان دریغ شده است. در ثانی، بخش بزرگی از جمعیت زنان باردار، از نظر اقتصادی در مضیقه و از طبقه محروم و تهیدست جامعه هستند یا در مناطق روستایی و شهرهای کوچک و حاشیه شهرهای



ایران خوانی

از بلوچستان چهره خشن نشان ندهید

درخشان» و «سعیدی» برای اولین بار اعتراض خود به این جفا به بلوچ و بلوچستان را از تریبون مجلس اعلام کردند که جای تقدیر است؛ اما انتظار مردم این است که به اعتراض پسنده نکنند و با هنرمندانی که با عینک بدبینی، یک قوم خوشام و اصیل را بد جلوه می‌دهند، رفتاری دیگر در پیش بگیرند.

هنرمندان عزیز، بلوچ و بلوچستان واقعیت‌های زادی برای نمایش در سینما و تلویزیون دارد، به استان ما سفر کنید و از نزدیک این واقعیت‌ها را ببینید و از آن فیلم بسازید تا دنیا شما را تحسین کند، از فقر و محرومیت، تبعیض و بی‌عدالتی قومی و مذهبی، عقب‌ماندگی آموزشی، بهداشتی، جاده‌های مرگ، کودکان کار، مدرسه کپری، سوختن جوانان برای لقمه‌ای نان، جولان مافیای قاچاق سوخت و مواد مخدر که ریشه در جایی دیگر دارد و بلوچ و بلوچستان به ناحق متهم به آن است، از «هوتک»، همان آبشخور مشترک انسان دم و دم که هر سال چندین قربانی هم می‌گیرد، حداقل اندکی تاریخ بخوانید و مبارزات بلوچ و بلوچستان با استعمار را بر پرده سینما ببرید. از جنرال دایر بپرسید تا بلوچ و بلوچستان را به شما بهتر معرفی کند. به آمار و اطلاعات واقعی و مستند رسمی از مراجع رسمی مراجعه کنید تا به شما بگوید: گرچه بلوچستان در فقر

و محرومیت مقام اول را در کشور دارد، در قتل و خشونت، طلاق و

معضلات اجتماعی رتبه آخر را در مقایسه با دیگر استان‌ها دارد. بلوچستان سرزمین خشر و مدد است، سرزمین مبار جلی و زهم و کین و پتر و گذشت و بخشش است، سرزمین بنداری و پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی است. سرزمینی که فرهنگ، آداب و رسوم و سنت‌های اصیل فرهنگی خود را حفظ کرده و دچار استحاله فرهنگی نشده است، بلوچ و بلوچستان مشکلاتی دارد؛ اما نه به آن بزرگی که هنرمندان با عینک‌های دره‌بینی خود بزرگ می‌بینند و در بزرگ‌نمایی آن بیش از حد یا از روی ناآگاهی یا عمدانه و هدفمند غلو می‌کنند.

کریم بخش‌کردی تمندانی: از ورود اولین دستگاه فیلم‌برداری به ایران بیش از یک قرن می‌گذرد. دستگاهی که موجب رونق صنعت فیلم و سینما شد. در بلوچستان شاید اولین فیلم سینمایی درمورد بلوچ و بلوچستان را مسعود کیمیایی با ساخت فیلم (بلوچ) در سال ۱۳۵۱ شروع کرد. آثاری که از همان ابتدا بد شروع شد و دیواری که اولین خشت آن کج گذاشته شد تا این دیوار تا ثریا کج رود و متأسفانه این سنت بد همچنان تاکنون بد ادامه دارد. «بلوچ» فیلمی بود که با تجاوز دو قاچاقچی به یک زن شروع و با قتل و بی‌هویتی بلوچ به پایان رسید. بعد از آن بیشتر هنرمندانی که درمورد بلوچ بلوچستان فیلم ساختند، داستان فیلم‌شان بیشتر بر قاچاق و قتل و خشونت تأکید داشت. هر هنرمندی که به بلوچستان آمد و فیلم ساخت، فقط خشونت دید و قاچاق.

هنر و هنرمند بی‌تعهد

یک قوم اصیل را به جامعه دنیا و بد شاخص ترنرانگیز و بد خشونت و قاچاق مواد مخدر معرفی کرد. فرقی نمی‌کند فیلم با عشق شروع شود و کارگردان آن خاتم آبیار باشد یا اینکه فیلم برای خنده باشد و تفریح و بابک گودرزی آن را ساخته باشد یا فیلمی

فرهنگی و اجتماعی باشد. گویا در ذهن هنرمندان ما از بلوچ و بلوچستان فقط قاچاق و مواد مخدر حک شده و قابل تغییر و پاک‌شدن نیست. فرقی نمی‌کند نام فیلم بلوچ باشد یا قافله، بدوک، تاراج، طابال، مقرب جزار، صف‌شکن، روز صفر، شی که ماه کامل شد یا ایران ۳ و… فرقی نمی‌کند کارگردان مسعود کیمیایی باشد و فیلم قبل از انقلاب ساخته شده باشد یا مجیدی، جوانمرد، پرهوز افخمی، آبیار، گودرزی و… و بعد از انقلاب ساخته شده باشد… فرقی نمی‌کند کارگردان مرد باشد یا زن، در بیشتر فیلم‌ها قاچاق و خشونت و قتل هدف اصلی است. نمایندگان محترم سینمایبلوچستان «دکتر